

جلوه مهدویت در اندیشه اهل سنت

علی جعفرزاده^۱

چکیده:

اعتقاد به منجی در پایان روزگار، جهت رفع ظلم و ستم از عالم و برقراری عدالت و امنیت جهانی از مباحث مهم اعتقادی همه ادیان و پیروان توحیدی است؛ علی رغم اختلافاتی که در مصادیق آن یافت می شود نسبت به اصل این رخداد جهانی اتفاق نظر وجود دارد. از آنجایی که در باور اسلامی با رویکرد تفکر شیعی و با استناد به آیات و روایات معتبر، این منجی از ذریه رسول خدا (ص) و از فرزندان علی (ع) و فاطمه (س) می باشد و با توجه به این که اقلیتی از متکلمان و مفسران اهل سنت چنین باوری را غیر واقعی و منحصر به مذهب شیعه جلوه داده اند، بر آن شدیم با انعکاس اظهار نظر صریح علماء و متکلمان اهل سنت از مذاهب چهار گانه در این زمینه و نیز با بیان دیدگاه روشن و بی پرده تعداد قابل توجهی از مفسران اهل سنت در ذیل آیاتی از قرآن کریم - که جملگی اعتراف صریح در ارتباط با فرهنگ متعالی مهدویت دارند - سند غیر قابل خدشه ای ارائه نموده ایم که بتواند نا آگاهانه و حتی تعصبی بودن دلایل گروه اقلیت را آشکار سازد. در خاتمه با به چالش کشاندن منطقی دیدگاه ابن خلدون و همفکرانش در این زمینه، جهت تنویر افکار آزاد اندیشان، تحقیق را با یک نتیجه گیری به پایان رساندیم.

واژگان کلیدی:

تفسیر، ظهور، اهل سنت، مهدویت، عیسی .

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

طرح مسأله:

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان از باور های اعتقادی تمامی مذاهب اسلامی است که با وجود پاره ای از اختلاف نظر ها در برخی جزئیات از جمله وجود بالفعل آن حضرت و نیز درباره چگونگی ظهور و قیام آن سرور ، به آمدن چنین شخصیت با عظمت در پایانه تاریخ بشری گواهی می دهند و بعضاً معتقدند که ایشان از ذریه پاک حضرت محمد(ص) و از فرزندان فاطمه (س) می باشد . تا جایی که ایشان را فرزند حضرت عسکری (ع) و بر این عقیده اند که اکنون نیز در قید حیات است و حتی برخی از متکلمان اهل سنت چنین اعتقادی را از ضروریات دین دانسته اند .

این واقعیت با مراجعه به منابع روایی و دیدگا ها و اظهار نظر عالمان و متکلمان مذاهب چهار گانه اهل سنت که خواهد آمد به خوبی روشن می شود .

البته لازم به ذکر است که برخی از علمای اهل سنت از جمله ابن خلدون و پیروان آن مسئله مهدویت را بر نمی تابند و با دلایلی که به نظر می رسد که همراه با تعصب مذهبی و عدم اطلاع ایشان از ده ها حدیث معتبر از منابع روایی اهل سنت پیرامون مهدویت و نیز اکتفا نمودن ایشان به حدیثی واحدی که بر فرض صحت سند قابلیت تأویل دارد ؛ متأسفانه عقیده به مهدویت را بر آمده از تفکرات شیعی معرفی کرده اند که در جای خود در همین تحقیق به نقد آن خواهیم پرداخت .

علی رغم این اظهار نظرهای غیر کارشناسانه ، اعتقاد به مهدویت برخاسته از اعماق اعتقادی تمامی مذاهب اسلامی است که از سده های نخستین تاریخ اسلام تا کنون وجود داشته و در آثار و نوشته های عالمان و متکلمان اسلامی منعکس است که نادیده گرفتن این واقعیت همانند انکار بدیهیات است .

در همین راستا ، جا دارد به گفته ها و نوشته های دانشمندان چهار مذهب اصلی اهل سنت که به صراحت بر مسئله مهدویت اذعان نموده اند پردازیم تا شاهدی عینی بر مدعای ما باشند .

دانشمندان شافعی و مهدویت

لازم به ذکر است که تعدادی از علماء و متکلمان شافعی مذهب درباره ی خصوصیات و ویژگی های حضرت مهدی (ع) با شیعه هم عقیده هستند به طوری که بعضی از آنان اعتقاد به مهدویت را از ضروریات دین دانسته اند :

۱. کمال الدین محمد بن طلحه الشافعی (متوفی قرن هفتم هـ.ق)

ایشان در کتاب ((مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول)) ضمن بیان دیدگاه های خود درباره امامان معصوم (علیهم السلام) ، باب آخر کتاب را به امام مهدی (عج) اختصاص داده و معتقد است که ایشان از عترت پیامبر اکرم (ص) و از فرزندان حضرت فاطمه (س) و اکنون نیز در قید حیات است .

ایشان برای اثبات ظهور امام زمان (عج) و در ارتباط با فرهنگ و اندیشه مهدیت احادیث متعددی را از منابع روایی اهل سنت ذکر کرده از جمله روایتی از ابوداود از علی (ع) از رسول خدا که رسول خدا فرموده است :

لولم یبق من الدهر الا یوم ابعث الله رجلاً من اهل بیتی یملأها عدلاً کما ملئت جوراً .
اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند خداوند مردی از اهل بیت من برمی انگیزد تا زمین را پر از عدالت نماید هم چنان که از ظلم پر شده است .
و نیز در روایت دیگری از ابو داود از ام سلمه از پیامبر اکرم روایت کرده است که پیامبر (ص) پیوسته می فرمود :

المهدی فی عترتی من ولد فاطمه . (طلحه شافعی، کمال الدین، ص ۱۲۵-۱۲۷)

مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه (س) است .

۲. گنجی شافعی (متوفی قرن هفتم هـ.ق)

ایشان در کتاب « البیان فی اخبار صاحب الزمان » احادیث و مباحث مربوط به امام مهدی (عج) را (با ترتیبی خاص و با ابواب موضوعاتی منسجم) از منابع روایی اهل سنت ذکر کرده ، معتقد است که امام مهدی (عج) دارای حیات است و می نویسد :

« هیچ امتناعی در بقای مهدی وجود ندارد به دلیل این که عیسی والیاس و خضر (ع) که از اولیای خداوند هستند زنده اند و دجال و ابلیس که از دشمنان خداوند هستند نیز زنده

اند و زنده بودن این ها در قرآن و سنت اثبات شده است. آن گاه که اینان براین موضوع اتفاق نموده اند چگونه زنده بودن مهدی را انکار کرده اند؟!

پس ، بعد از این ، به سخن هیچ عاقلی توجه نمی شود ، که اگر بخواهد زنده بودن مهدی را انکار کند . و در پایان نتیجه می گیرد که زنده بودن امام مهدی (ع) در مدت طولانی هیچ استبعادی ندارد .» (گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۹۷)

۳. اسماعیل بن کثیر (متوفی ۷۷۴ هـ ق)

وی در کتاب (النهایه فی الفتن و الملاحم) فصل ویژه ای برای امام مهدی (ع) گشوده با عنوان (فصل فی ذکر المهدی الذی یکون فی آخر الزمان) می نویسد :
« مهدی (ع) یکی از خلفای راشدین و از امامان هدایت گراست که روایات منقول از رسول خدا (ص) درباره او نقل شده گویای این است که حضرت در آخر الزمان خواهد آمد و به گمانم ظهورش پیش از آمدن عیسی (ع) باشد . و نیز تصریح می کند که مهدی موعود (ع) از ذریه رسول خدا (ص) و از فرزندان فاطمه (س) است.» (ابن اثیر، النهایه ج ۱، ص ۲۴-۲۸)

۵. جلال الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱ هـ ق)

وی که از نویسندگان برجسته اهل سنت در زمینه های گوناگون حدیثی ، تفسیری و علوم قرآنی است تألیف مستقلی درباره ی امام زمان (ع) دارد بانام «العرف الوردی فی اخبار المهدی» که صدها حدیث از منابع روایی اهل سنت در این زمینه جمع آوری کرده است . ایشان در پایان این کتاب، فصلی را گشوده و در آن چهار نکته از نکات مهم را در این زمینه یاد آوری کرده، که عبارت است از :

« الف - مهدی (ع) یکی از خلفای دوازده گانه است که در حدیث سمره ذکر شده است

ب - مهدی (ع) نمی تواند از فرزندان عباس بن عبدالمطلب باشد .

ج - سند حدیث (لامهدی الایسی بن مریم) ضعیف است چون که متعارض با نقل روایات متواتری است که گویای ظهور مهدی (ع) است و این که ایشان از فرزندان رسول خدا (ص) است و عیسی پشت سر او نماز خواهد خواند .

د- آنچه نقل شده که مهدی (ع) از مغرب ظهور خواهد کرد هیچ پایه و دلیلی ندارد.» (سیوطی، الهادی للفتادی، ج ۲، ص ۱۶۶)
البته ایشان در کتاب (الجامع الصغیر) نیز احادیثی درباره ی امام عصر (ع) ذکر کرده است (همو، الجامع الصغیر، ص ۵۵۳).

دانشمندان حنابله و مهدویت

دانشمندان حنبلی مذهب هم به وجود حضرت مهدی (ع) و ظهور آن حضرت به همراه فرود آمدن حضرت عیسی (ع) تصریح نموده اند که عبارتند از:

۱. امام احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ هـ ق)

ایشان که رئیس فرقه ی حنبلیه و از علمای قرن دوم هجری است و نیز نویسنده یکی از گسترده ترین و کهن ترین جوامع حدیثی اهل سنت به شمار می آید؛ احادیث متعددی را درباره امام مهدی (عج) ذکر کرده است که یکی از فضلالی حوزه ی علمیه قم، احادیث مربوط به امام عصر (عج) را از این کتاب حدیثی معتبر اهل سنت، جمع آوری کرده و با نام «احادیث المهدی (علیه السلام) من مسند احمد بن حنبل» به چاپ رسانده است.

ایشان در این کتاب، ۱۳۶ حدیث در ارتباط با نشانه های ظهور آن حضرت تا ظهور و وضعیت عصر ظهور و دیگر موضوعات مرتبط با حضرت مهدی (عج) را از مسند احمد بن حنبل استخراج کرده است که این خود نشان از اعتقاد مهم ترین شخصیت فرقه حنبلیه در موضوع مهدویت است.

۲. ابن قیم جوزیه حنبلی (م ۷۵۱ هـ ق)

وی که از نویسندگان سرشناس و معروف اهل سنت است، فصل پنجاهم کتاب (المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف) را به مباحث مربوط به امام مهدی (عج) اختصاص داده است و در ردّ حدیث جعلی «لا مهدی الا عیسی بن مریم» مباحث و مطالب مختلفی را در ارتباط با حضرت مهدی (عج) ذکر کرده است.

ایشان از قول برخی از دانشمندان اهل سنت، از جمله احمد بن الحسین آبری تواتر روایات نبوی درباره ی امام مهدی (عج) را یاد آوری می کند و می گوید:

« تواتر در این باره وجود دارد که آن حضرت از اهل بیت رسول خدا (ص) است و عیسی (ع) به هنگام ظهور وی، خواهد آمد و در نماز به او اقتدا خواهد کرد. » (ابن قیم جوزی، المنار، ص ۱۴۲)

۳. یحیی بن حنبلی (متوفی قرن دهم هـ ق)

ایشان که از علمای قرن دهم هجری می باشد در پاسخ به پرسشی درباره ی منکران اصل مهدویت می گوید:

« عقیده ی مذکور بدون شك باطل است چون مستلزم مخالفت و رد احادیث صحیحی است که از پیامبر (ص) رسیده و پیامبر (ص) در این احادیث از ظهور مهدی (ع) در آخر الزمان خبر داده و از ویژگی های شخصی مهدی (ع) و حوادث زمان ظهور یاد کرده است فرود آمدن حضرت عیسی (ع) از آسمان و قرار گرفتن او در کنار مهدی (عج) و نماز گزاردن او پشت سر آن حضرت و همین طور خروج دجال و کشته شدن اوست ... و کسی که مهدی موعود (ع) را تکذیب کند رسول خدا (ص) به کفر او خبر داده است ... » (متقی هندی، البرهان فی علامات صاحب الزمان، ص ۲، ص ۸۷۵-۸۷۶)

عالمان حنفی و مهدویت

بعضی از متکلمان و اندیشمندان حنفی مذهب علاوه بر اعتقاد به مهدویت به زنده بودن حضرت امام مهدی (عج) هم تصریح دارند از جمله:

۱. ابن جوزی

او در کتاب (تذکره الخواص فی خصائص الأئمه علیهم السلام) فصل جداگانه ای را درباره ی حضرت مهدی (ع) اختصاص داده و مباحث و موضوعات مختلفی را بیان نموده است در آغاز این فصل آمده است که:

« فصل فی ذکر الحجه المهدی هو محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا و کتبه ابو عبدالله و ابوالقاسم و هو الخلف الحجه صاحب الزمان. » (ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۷۷)

فصلی درباره مهدی، حجت که او همان محمد پسر علی پسر محمد پسر علی پسر

موسی ملقب به رضا و کنیه او ابو عبدالله و ابوالقاسم و او جانشین، حجت و صاحب روزگار است.

۲. ابو محمد الحسن بن علی البر بهاری الحنبلی (متوفی ۳۲۹ هـ ق)

او در شرح السنه می نویسد:

«... والایمان بنزول عیسی بن مریم، نازل فیقتل الدجال و یصلی خلف القائم من آل محمد (ص)...» (مهلهل الیاسین، مقدمه البرهان فی علامات صاحب الزمان، ج ۱، ص ۴۲۶)
و ایمان داشتن به فرود آمدن عیسی فرزند مریم، که نازل خواهد شد و آنگاه دجال را خواهد کشت و پشت سر قیام کننده ای از آل محمد (ص) نماز خواهد گزارد.

۳. ابن طولون دمشقی (متوفی ۹۳۵ هـ ق)

وی در کتاب «الائمہ الاشاعه» بخشی از آن را به الحجه المهدی اختصاص داده و در آن به بحث درباره ی امام عصر (ع) پرداخته و بیشتر عقاید و اندیشه های شیعه درباره ی ولادت امام زمان (ع) و زنده بودن آن حضرت را آورده و به قبول ضمنی آن تمایل نموده است. (فقیه ایمانی، الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۱، ص ۴۰۳-۴۰۵)

۴. عبد الوهاب شعرانی (متوفی ۹۷۳ هـ ق)

ایشان در کتاب (الیواقیت و الجواهر) خروج ولی عصر (ع) را از نشانه های قیامت در احادیث، می داند و معتقد است که امام مهدی (ع) فرزند امام یازدهم (ع) و اکنون زنده و در قید حیات است و تا زمان ظهور حضرت عیسی (ع) نیز زنده خواهد ماند. (شعرانی، الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۵۶۲)

امام مهدی از دیدگاه علمای مالکی

متکلمان و اندیشوران مالکی مذهب هم باور به ظهور حضرت مهدی (ع) را یکی از اعتقادات خود دانسته و در نوشته های خود بدان تصریح نموده اند که به عنوان نمونه به اظهار نظر آنان در این زمینه می پردازیم.

۱. ابن صباغ مالکی (متوفی ۸۵۵ هـ ق)

ایشان در فصل دوازدهم کتاب «الفصول المهمه فی معرفه احوال الأئمّه علیهم السلام»

شرح حال و خصوصیات امام زمان (ع) را ذکر کرده و در آن مباحث مختلف و روایات متعددی را درباره ی امام مهدی (ع) آورده و درباره ی وعده ی رسول خدا (ص) از ظهور آن حضرت نیز سخن گفته است .

البته ایشان هم مثل برخی از دانشمندان اهل سنت معتقد است ، که حضرت مهدی (ع) هم اکنون زنده و در قید حیات هستند. (ابن صباغ، الفصول المهمه، ص ۱۹)

۲. محمد بن محمد بن الخطاب المالکی (متوفی دهم هـ ق)

ایشان به سبب احادیث صحیحی ای که دلالت بر وجود مهدی (ع) و خروج او دارد و نیز از حوادثی که در آستانه ظهور او اتفاق خواهد افتاد همانند ظهور سفیانی ، فرورفتن وی و لشکرش در منطقه ی بیداء ، کسوف خورشید در نیمه ی ماه رمضان و خسوف ماه در اول آن واحادیثی که دلالت بر فرمانروایی حضرت مهدی (ع) در زمین و خروج دجال بهنگام ظهورش، سخن گفته است. (فقیه ایمانی، الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۲۸-۴۰)

۳. شیخ محمد الصبان (متوفی ۱۳۰۷ هـ ق)

ایشان در کتاب « اسعاف الراغبین » فصلی را درباره ی امام مهدی (ع) از جمله نسبت ایشان و محل ظهور و نیز نشانه های خروج آن حضرت بیان داشته است. (همان)

۴. محیی الدین ابن عربی

او می گوید: « خروج مهدی حتمی است ، ولیکن خروج نمی کند تا زمین پراز جور و ظلم شده باشد آن گاه آن را پراز عدل و داد خواهد کرد او از عترت رسول خدا و از فرزندان فاطمه است جدش حسین بن علی بن ابی طالب و پدرش حسن عسکری ، فرزند امام علی النقی.... و همان رسول خداست که مسلمانان با او بین رکن و مقام بیعت می کنند. ۱»

مهدویت در تفاسیر اهل سنت

به خاطر موضوعات متنوع فرهنگ و اندیشه مهدویت در آیات مربوطه از سوی

۱. ابن عربی ، فتوحات مکیه ص ۳۶۶ (اعلموا انه من الخروج المهدی لکن لا یخرج حتی تمتلی الارض جوراً و ظلماً فیملؤها قسطاً و عدلاً..... و هو من عترت رسول الله (ص) من ولد فاطمه رضی الله عنها ، جده الحسین ابن علی ابن ابی طالب و والده حسن العسکری ابن الامام علی النقی یواطی اسمہ رسول الله (ص) یبایعه المسلمون بین الرکن و المقام .)

مفسران اهل تسنن به همراه روایات وارده در ذیل آیات ، این فصل در شش گفتار قابل بررسی است .

گفتار اول : مهدویت و غلبه اسلام

تعداد قابل توجهی از مفسران اهل سنت در ذیل آیاتی از غلبه اسلام بر سایر ادیان در عصر ظهور حضرت مهدی (ع) خبر داده اند که به پاره ای از این آیات اشاره می شود:

الف) «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» (توبه / ۳۳)

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند و هر چند مشرکان خوش نداشته باشد .

بسیاری از مفسران اهل سنت ذیل آیه شریفه از فرهنگ و اندیشه مهدویت از جمله غلبه اسلام بر سایر ادیان به همراه قیام و ظهور حضرت مهدی (ع) سخن گفته اند که عبارتند از:

۱. فخر رازی

ایشان در ذیل آیه شریفه از ابو هریره نقل می کند که هنگام خروج حضرت عیسی ع این وعده الهی تحقق پیدا می کند به اینکه خداوند اسلام را روزی بر همه ادیان برتری و غلبه خواهد داد و نیز از سدی روایتی نقل می کند که این امر به هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) تحقق می یابد. (فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۴۲)

این مطلب اعترافی است به اندیشه مهدویت که به هنگام ظهور و قیام حضرت ، واقع می شود.

۲. جلال الدین سیوطی

ایشان نیز در ذیل آیه مورد بحث از سعید بن منصور و ابن منذر و بیهقی روایتی از جابر نقل می کند که از غلبه اسلام بر سایر ادیان خبر می دهد.

« سیوطی عن سعید بن منصور ، ابن المنذر و البیهقی عن جابر بن عبدالله الانصاری فی قوله تعالی : « لیظهره علی الدین کله » لا یکون ذالک حتی لایبقی یهودی و لا نصرانی و لا صاحب مله الا الاسلام » (سیوطی، الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۷۶)

سیوطی از سعید بن منصور، ابن منذر و بیهقی از جابر بن عبدالله انصاری در ذیل گفتار خداوند متعال « لیظهره علی الدین کله » گفته اند: چنین امری واقع نمی شود مگر آنکه جز اسلام، یهودی، نصرانی و صاحب شریعتی باقی نمی ماند.

۳. قرطبی

ایشان در تفسیر (الجامع لاحکام القرآن) در ذیل آیه ی مورد بحث نیز از سدی روایتی نقل می کند که این برتری و غلبه اسلام بر سایر ادیان به هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) می باشد.

ایشان هم چنین می گوید: ما اخبار صحیحی در حد تواتر داریم که می گویند: مهدی (عج) از عترت رسول خدا (ص) است. (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۴۵)
ب) هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیداً. (فتح/۲۸)

او کسی است که رسول خود ابا هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب گرداند و گواهی خداوند کفایت می کند.

تعداد قابل توجهی از مفسران اهل سنت از تحقق برتری و غلبه اسلام بر سایر ادیان به هنگام خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام خبر داده اند که عبارتند از:

۱. ابو حیان اندلسی

ایشان در تفسیر بحر المحيط در ذیل آیه شریفه از سدی نقل می کند که برتری و غلبه دین اسلام بر همه ادیان به هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) تحقق می یابد. به این معنا که هنگام خروج مهدی علیه السلام احدی باقی نمی ماند مگر آن که مسلمان می شود یا خراج می دهد. (ابو حیان اندلسی، بحر المحيط، ج ۵، ص ۳۴)

ضمناً ایشان برای قول خودش به حدیثی از پیامبر اسلام (ص) تمسک جسته که فرموده است: «و فی الحدیث زویت لی الارض فأریت مشارقها و مغاربها و سیبلغ ملک امتی ما زوی لی منها.» (همان)

و در حدیثی از رسول خدا (ص) آمده است: زمین برای من پیچیده شد پس من شرق و غرب آن را دیدم و به زودی پادشاهی و حکومت امت من به شرق و غرب زمین می رسد.

۲. شیخ محمد طه الدرہ حمصی

ایشان در ذیل آیه شریفه به نقل از سدی می گوید: برتری و غلبه اسلام بر سایر ادیان به هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) تحقق می یابد. (حمصی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۵۷۰)

۳. محمد بن یوسف اطفیش

ایشان در تفسیرش ذیل آیه شریفه از غلبه و برتری اسلام بر تمامی ادیان به هنگام فرود آمدن عیسی (ع) و ظهور حضرت مهدی (ع) سخن می گوید.

« لیظهره علی الدین کله » لغلبه اهل علی جمیع الملل فی القتال وللنزل عیسی و مجیء المهدی و تسلیط اهل علی شرایع الکفر. (اطفیش، تیسیر التفسیر، ج ۱۲، ص ۳۷۷)

فلسفه ارسال رسول با هدایت و دین حق به خاطر غلبه و برتری اسلام بر تمامی شریعت با جنگیدن و به خاطر نزول عیسی به همراه آمدن مهدی و سیطره دادن اهل اسلام بر تمامی شریعت کفر می باشد.

۴. شیخ هود الهواری

ایشان در ذیل آیه شریفه از نزول عیسی (ع) و از برتری و غلبه اسلام بر سایر ادیان به نقل از پیامبر اسلام (ص) سخن می گوید.

ذکر الحسن قال رسول الله: « الانبیا اخوه لعلات امهاتهم شتی و دینهم واحد و أنا اولی الناس بعیسی (ع) ... و یهلك الله فی زمانه الملل کله الا الاسلام ... ». (الهواری، کتاب الله العزیز، ج ۱، ص ۴۳۶)

حسن از رسول خدا روایت می کند که: انبیا برادران گوهری اند (در امر رسالت) که از مادران متعدد متولد شده اند و لیکن دین و آیین شان یکی است و من سزاوارترین مردم به عیسی ع هستم ... و خداوند در زمان نزول حضرت عیسی ع همه شریعت ها را از بین می برد مگر اسلام را ...

همان طوری که گفته شد اتفاقاتی که به هنگام نزول عیسی (ع) واقع می شود منافاتی با ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) ندارد.

(ج) و إن من أهل الكتاب الا لیؤمنن به قبل موته و یوم القیامه یكون علیهم شهیداً

و هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر آن که پیش از مرگش حتما به او (عیسی) ایمان می آورد و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.

جمعی از مفسران اهل سنت ذیل آیه شریفه نیز از برتری و غلبه اسلام بر سایر ادیان به هنگام نزول حضرت عیسی (ع) سخن گفته اند که عبارتند از:

۱. ابن کثیر

ایشان در تفسیر القرآن العظیم ذیل آیه شریفه از قول ابن جریر از جهانی شدن اسلام همزمان با نزول عیسی (ع) خبر می دهد.

قال ابن جریر: «اختلف اهل التأویل فی معنی ذالک فقال بعضهم معنی ذالک « وإن من أهل الكتاب إلا لیؤمنن به قبل موته » یعنی قبل موت عیسی (ع) یوجه ذالک إلى أن جمیعهم یصدقون به إذا نزل لقتل الدجال فتصیر الملل كلها واحده و هی مله الاسلام الحنیفیه دین ابراهیم (ع)». (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۴۵۲)

ابن جریر گفت: «اهل تأویل در معنای آیه اختلاف نموده اند؛ بعضی ها گفته اند معنای آیه این است که اهل کتاب قبل از مرگ عیسی ع حتما به او ایمان می آورند ولی علی رغم اختلاف در معنای آیه، همه اهل تأویل تصدیق می کنند هنگامی که عیسی فرود می آید برای کشتن دجال، همه شریعت ها یک شریعت واحد می گردند و آن شریعت، اسلام می باشد که تداوم شریعت پاک حضرت ابراهیم ع است.

۲. ابو حیان اندلسی

ایشان در ذیل آیه مورد بحث از ابن عباس و حسن و ابومالک نقل می کند که آیه در ارتباط با نزول عیسی (ع) از آسمان در آخر الزمان می باشد و همچنین اشاره به گرایش همه اهل کتاب به اسلام می باشد.

تا جایی که از ابن زید در ذیل آیه شریفه نقل می کند که بعد از نزول عیسی (ع) و کشتن دجال به دست او همه امت در آئین اسلام اجتماع می کنند.^۱

۱. ابو حیان اندلسی بحر المحيط ج ۳ ص ۴۰۸ - «و المعنی من أهل الكتاب الذین یكونون فی زمان نزوله روی أنه ينزل من السماء فی آخر الزمان فلا یقی احد من اهل الكتاب الا یؤمن به حتی تكون الملله واحده و

۳. ابن عربی

ایشان در ذیل آیه شریفه از رسول اکرم (ص) روایتی نقل می کنند که پیامبر اسلام (ص) «الالیومن به قبل موته» را اشاره به نزول عیسی و گرایش مردم به سنت اسلام و صلیب شکنی و قتل خنزیر توسط ایشان می داند.

قال رسول الله (ص) ينزل فيكم عيسى ابن مريم (ع) حكماً قسطاً و في روايته مقسطاً عدلاً، فيكسر الصليب و يقتل الخنزير قال رسول الله (ص) في عيسى (ع) اذا نزل انه لا يؤمن الامناى بسنتنا. (ابن عربی، رحمة من الرحمن، ج ۱، ص ۶۵۱)

رسول خدا (ص) فرمود عیسی فرزند مریم در بین شما فرود می آید به عنوان قضاوت کننده ای عادل، و در روایت دیگری به عنوان دادگری عادل، پس صلیب را می شکنند و خنزیر را می کشند. رسول خدا (ص) در باره عیسی فرمود هنگامی که فرود می آید کسی ایمان نمی آورد مگر به شریعت و سنت ما.

باتوجه به اظهار نظر مفسران اهل سنت در ذیل آیات مذکور معلوم می شود که دیدگاه غالب مفسران اهل تسنن چیرگی و غلبه اسلام بر سایر ادیان است که چنین اتفاق مهمی در پایان روزگار رخ می دهد و احدی باقی نمی ماند مگر آن که داخل در اسلام می شود و این تحول بزرگ فرهنگی هم زمان با قیام و ظهور مهدی (ع) و نزول عیسی (ع) از آسمان تحقق می یابد که این مطلب با رجوع به متن تفسیر کبیر و بحر المحيط و..... در ذیل آیات فوق به نقل از سدی کاملاً پیدا است

قال السدی: « ذالك عند خروج المهدي و لا يبقى احد الا دخل في الاسلام . » (فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۸، ج ۴۲؛ ابوحیان، بحرالمحیط، ج ۵، ص ۳۴)

مهدویت و حاکمیت صالحان

جمعی از مفسران اهل سنت در ذیل آیاتی از قرآن کریم به حاکمیت صالحان در آخر الزمان اذعان کرده اند که بعضاً چنین حاکمیتی را همزمان با ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) دانسته اند. که ذیلاً به پاره ای از این آیات اشاره می شود:

الف) ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون (انبیاء/۱۰۵) و همانا در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. تعداد قابل توجهی از مفسران اهل تسنن تأویل آیه شریفه را از آن ال محمد (ص) و از امت اسلام دانسته تا جائی که بعضاً به اصحاب مهدی (ع) تأویل برده اند که به اظهارات برخی از آنان می پردازیم.

۱. سلیمان القندوزی

ایشان به نقل از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) معتقدند که تأویل آیه شریفه حضرت قائم و اصحابشان می باشد.

عن الباقر و الصادق (علیهما السلام) فی قوله تعالی (یرثها عبادي الصالحون) قالوا : هم القائم و اصحابه. (القندوزی، ینایع المودة، ص ۴۴۵)

۲. ابن ماهیار

عن ابی الورد عن ابی جعفر : قوله عزوجل (یرثها عبادي الصالحون) هم ال محمد (ص). (ابن ماهیار، التفسیر به نقل از تأویل الایات، ص ۳۲۶)

ایشان به نقل از امام صادق (ع) می گوید که منظور آیه آل محمد (ص) می باشند ضمناً ایشان در حدیث دیگری از امام صادق می گوید: منظور آیه اصحاب مهدی (ع) می باشند. ابن ماهیار عن محمد بن عبدالله ابن الحسن عن ابی جعفر (ع) قوله عزوجل (یرثها عبادي الصالحون) هم اصحاب المهدی . (همان، ص ۳۲۷)

۳. سیوطی

ایشان از بخاری و ابن ابی حاتم به نقل از ابو درداء از رسول خدا (ص) نقل می کند که مقصود آیه ، پیامبر و اهل بیت او می باشند

البخاری و ابن ابی حاتم عن ابی الدرداء قال رسول الله (ص) : قال الله تعالی (ان الارض یرثها عبادي الصالحون) : نحن الصالحون . (سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۶۸۷)

۴. ابو عبدالله قرطبی

اکثر مفسران بر این باورند که مراد از عباد صالح در این آیه امت اسلام است (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۲۳)

۵. فخررازی

ایشان در ذیل آیه ی شریفه سه وجه را در ارتباط با معنای الارض مطرح می کند که وجه دوم را می شود در ارتباط با فرهنگ مهدویت و حاکمیت صالحان مطرح کرد:

ثانیها: ان المراد من الارض، ارض الدنيا فإنه سبحانه و تعالی سیورثها المؤمنین و هو قول الكلبي و ابن عباس فی بعض الروایات و دلیل هذا القول قوله سبحانه (و عد الله الذین ءامنوا منكم و عملوا الصالحات لیستخلفنکم فی الارض کما استخلف الذین من قبلکم) و قوله تعالی « قال موسى لقومه استعینوا بالله و اصبروا ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین » (فخررازی، تفسیر کبیر، ج ۱۱ ص ۲۰۱)

همانا مراد از کلمه « الارض » زمین دنیاست و خداوند منزله و بلند مرتبه به زودی مؤمنان را وارث آن خواهد کرد و این مطلب گفته کلبي و ابن عباس در بعضی از روایات است و دلیل این گفته ، « وعد الله الذین آمنوا منكم و عملوا الصالحات لیستخلفنکم فی الارض » و آیه « قال موسى لقومه استعینوا بالله و اصبروا ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین » است .

این که کل زمین را بندگان صالح و انسان های شایسته به ارث می برند و جانشین می شوند همان فرهنگ مهدویت است .

ب) وعد الله الذین ءامنوا منكم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمكنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من خوفهم اماناً یعبودونی لا یشرکون بی شیئاً. (نور/۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند ، وعده داده است که حتماً آنها را در زمین جانشین کند ، چنان که اسلاف شان را جانشین کرد، و دینشان را که برایشان پسندیده ، برای انها استقرار بخشد و خوفشان را به ایمنی مبدل نماید، به طوری که مرا بندگانگی می کنند و چیزی را با من شریک نمی سازند .

جمعی از مفسران اهل سنت در ذیل آیه شریفه از حاکمیت حضرت مهدی (ع) بر سراسر زمین خبر می دهند که عبارتند از :

۱. ابن کثیر

ایشان در تفسیر «القرآن العظیم» ذیل آیه ی شریفه حدیثی را از صحیح مسلم نقل میکند که در پایان حدیث اشاره به استخلاف و جانشینی حضرت مهدی در زمین دارد .
« و منهم المهدي » الذی اسمه یطابق اسم رسول الله (ص) و کنیته کنیته یماً الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً. (ابن کثیر، تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۸۷-۸۰)
و از آن ها مهدی است آن کسی که همانم رسول خدا (ص) است و کنیه او را دارد ، زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و جور شده است.

۲. محمد شوکانی

ایشان در تفسیر فتح القدر معتقد است آیه شریفه به فتح تمامی بلاد و وعده خلافت و فرماندهی بر کل زمین و فائق آمدن اسلام بر کل ادیان و امنیت فراگیر و ذلت دشمنان اسلام اشاره دارد که این جامعه آرمانی تحققش به ظهور حضرت مهدی (ع) است .
ضمناً ایشان عقیده کسانی را که مفهوم آیه شریفه را مختص به زمان خلفاء اربعه یا مقصود از ارض را محدود به ارض مکه می دانند را رد میکند و آن را نه تنها بعید بلکه آنرا بعد می داند. (شوکانی، فتح القدر، ج ۴، ص ۵۵-۵۴)

۳. محمد شربینی

ایشان در تفسیر «السراج المنیر» ذیل آیه شریفه از حاکمیت منحصر به فرد امت اسلام بر دنیا و تمکن در شرق و غرب زمین به طوری که چنین قدرت و حاکمیتی برای هیچ امتی از امم گذشته پیش نیامده سخن می گوید که پیامبر اسلام آنرا پیش بینی کرده بود .
قال رسول الله (ص): « إن الله زوی لی الارض فرأیت مشارقها و مغاربها و سیبلغ ملک امتی ما زوی لی منها. » (شربینی، السراج المنیر، ج ۲، ص ۶۳۶)
که مطلب فوق حاکی از اندیشه مهدویت است که تحقق آن به هنگام ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) است .

۴. در تفسیر جلالین آمده است که « و لیمكنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم » هو الاسلام بأن یظهروه علی جمیع الادیان و یوسع لهم فی البلاد فیملکوها. (جلالین، تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۶۰)

که از غلبه و برتری اسلام بر تمامی ادیان و نیز از توسعه و گسترده‌گی حاکمیت مسلمانان در شهرها سخن می‌گوید.

۵. در تفسیر بحر المحيط ذیل آیه شریفه از ابن عباس چنین آمده است: « و هذا الوعد وعده الله أمه محمد (ص) فی التواره و الإنجیل و الخطاب فی منکم للرسول و أتباعه و من للبیان الذین هم أنتم وعدهم الله أن ینصر الاسلام علی الکفر و یورثهم الارض و یجعلهم خلفاء. این وعده، وعده خداوند است به امت (ص) محمد در تورات و انجیل، و خطاب «کم» در «منکم» اشاره به رسول و پیروان او دارد، و حرف «من» برای بیان از کسانی است که ان هارا خداوند وعده پیروزی بر کفر و وراثت زمین و جانشینی داده، شما «امت اسلام» هستید.

فی الصحیح: زویت لی الارض فرأیت مشارقتها و مغاربها و سیلغ ملک امتی ما زوی لی منها. (بحرالمحیط، ج ۸، ص ۶۵)

در صحیح آمده است: زمین برای من پیچیده شد پس شرق و غرب زمین را دیدم و به زودی فرمانروایی و حاکمیت امت من به شرق و غرب زمین می‌رسد.

ج - و یسئلونک عن ذی القرنین قل سأتلو علیکم منه ذکراً (کهف/۸۳)

و از تو درباره ذوالقرنین می‌پرسند، بگو: به زودی خبری از او برای شما خواهم

خواند

شیخ محمد طه الدرہ حمصی در تفسیرش ذیل آیه شریفه می‌گوید:

چهار نفر دنیا را مالک شدند از جمله سلیمان بن داود، اسکندر ذوالقرنین، نمرود و بخت النصر و به زودی زمین را امت اسلام حاکم خواهند شد که او مهدی در آخر الزمان به هنگام فرود آمدن عیسی (ع) خواهد بود.^۱

همان طوری که ملاحظه می‌شود اظهار نظر مفسران اهل سنت در ذیل آیات مذکور

۱. شیخ محمد طه الدرہ حمصی، تفسیر قرآن کریم، ج ۸، ص ۳۱۴ «قد روی أن عدد من ملک الدنیا اربعه: مؤمنان و کافران فالمؤمنان سلیمان بن داود و اسکندر ذوالقرنین و الکافران نمرود الذی ادعی الالوهیه علی عهد ابراهیم (ع) و بخت النصر الذی خرب بیت المقدس و اهلک بنی اسرائیل و سیملکها من هذه الامه خامس» لقله تعالی (لیظهره علی الدین کله) و هو المهدی فی آخر الزمان و حین نزول عیسی (ع)».

حکایت از حاکمیت مؤمنان صالح در روی کره زمین از شرق و غرب آن دارد که بنا بر گفته محمد شربینی صاحب تفسیر السراج المنیر چنین حاکمیتی برای هیچ امتی از امت های گذشته پیش نیامده است. مخصوصاً با توجه به حدیثی از پیامبر اسلام (ص) که چنین حقیقتی را در عالم کشف و شهود دیده است و فرموده است که چنین حاکمیتی به زودی برای امتش پیش می آید که با توجه به کلمات آغازین آیه شریفه که با وعده الهی آن هم به صورت فعل ماضی: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات» و نیز با توجه به نون تأکید ثقلیه در جمله (لِیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْاَرْضِ) و همچنین لام مفتوحه، که از ادات تأکید بشمار می آیند جمله می تواند حتمیت و وقوع بدون تردید این حادثه بزرگ و بی مثال جهانی را به عنوان وعده الهی گوشزد نمایند و وعده الهی هم تخلف ناپذیر است. «ان الله لایخلف المیعاد». (آل عمران/۹)

جالب توجه آن که این تحول بزرگ جهانی را هم زمان با ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) دانسته اند که شاهد آن روایتی از صحیح مسلم به نقل از تفسیر القرآن العظیم در ذیل آیه شریفه می باشد.

..... و منهم المهدی الذی اسمه یطابق اسم رسول الله (ص) و کنیته کنیته یملاء الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً. (ابن کثیر، تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۸-۸۰)

مهدویت و استقرار عدالت و امنیت جهانی

تعداد قابل توجهی از مفسران اهل سنت در ذیل آیاتی از استقرار عدالت و امنیت جهانی در آخر الزمان سخن گفته اند که بعضاً تصریح نموده اند که این امر به دست حضرت مهدی (ع) صورت می گیرد، این آیات عبارتند از:

الف - و إن من اهل الكتاب الا لیومنن به قبل موته و یوم القیامه یكون علیهم شهیداً
(نساء/۱۵۹)

و هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگش حتماً به او «عیسی» ایمان می آورد و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.

مفسرانی از اهل سنت در ارتباط با آیه شریفه از استقرار عدالت و امنیت جهانی به هنگام قیام و ظهور حضرت مهدی (ع) که بانزول حضرت عیسی (ع) صورت می گیرد

خبر می دهند .

۱. شیخ هود الهواری

ایشان ذیل آیه شریفه روایتی را از رسول خدا (ص) نقل می کند که عیسی (ع) از آسمان فرود می آید و صلیب را می شکنند و خنزیر را می کشند و به نفع اسلام با مردم می جنگد و خداوند در زمان او ملیت هارا هلاک می کند مگر اسلام را . و در زمان او امنیت بر زمین حاکم می شود به طوری که شیر با شتر و گرگ با گوسفند مشغول چریدن می شوند بدون آنکه به همدیگر ضرری برسانند .^۱

۲. ابو محمد حسین بن مسعود بغوی

ایشان در تفسیر «معالم التنزیل» ذیل آیه شریفه از ابو هریره از رسول خدا (ص) روایتی را نقل می کند که از فرود آمدن عیسی بن مریم (ع) از آسمان و شکستن صلیب و کشتن خنزیر و برداشتن جزیه توسط او و نیز از غنای اقتصادی و چیرگی اسلام بر ادیان و همچنین از امنیت گسترده و فراگیر در زمین خبر می دهد .^۲

اتفاقات فوق در پایان روزگار که توسط پیامبر اسلام پیش بینی شده حکایت از اندیشه و فرهنگ مهدویت دارد که ربط دادن آن به فرود آمدن حضرت عیسی (ع) از آسمان منافاتی با وقوع این اتفاقات بهنگام ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) ندارد چون که آمدن حضرت عیسی (ع) اندکی بعد از ظهور آن حضرت واقع خواهد شد و این مطلبی است که علمای اهل سنت بدان اعتراف نموده اند .

ب - هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره

۱. شیخ هود الهواری ، کتاب اله العزیز، ج ۱، ص ۴۳۶ : قال : قال رسول الله (ص) : الأنبياء إخوة لعلات ، امهاتهم شتى و دینهم واحد . و أنا اولی الناس بعیسی (ع) لأنه لیس بینی و بینة نبی و إنه نازل لا محاله ، فاذا رأیتموه فاعرفوه فیدق الصلیب و یقتل الخنزیر و یقاتل الناس علی الاسلام و یهلك الله فی زمانه الملل كلها الا الاسلام و تقع الأمانة فی الارض حتی ترتع الأسد مع الإبل و النمر مع البقر و الذئاب مع الغنم ، و یلعب الغلمان بالحیات لا یضر بعضهم بعضاً .

۲. شیخ هود الهواری، کتاب اللع العزیز، ج ۱، ص ۴۳۶ : و روينا عن ابی هریره عن النبی (ص) قال: یوشک أن ینزل فیکم ابن مریم حکما عدل یکسر الصلیب و یقتل الخنزیر و یقیع الجزیة و یفیض المال حتی لا یقبله أحد و یملك فی زمانه الملل كلها الی الاسلاموتقع الامته فی الارض حتی ترتع الاسد معالابل والنمار مع البقر و الذئاب مع الغنم و یلعب الصبیان بالحیات لا تضرمهم.

المشركون (توبه/۳۳)

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند و هر چند کافران خوش نداشته باشند.

مفسرانی از اهل سنت در ذیل آیه شریفه از فرهنگ و اندیشه مهدویت مبنی بر استقرار عدالت و امنیت جهانی سخن گفته اند که عبارتند از:

۱. میبیدی

ایشان در تفسیرش در ذیل آیه شریفه از ابوسعید خدری از پیامبر اسلام روایتی نقل می کند که اشاره به ظهور حضرت مهدی (ع) با گستردگی قسط و عدالت در زمین دارد.

روی عن ابی سعید قال ذکر رسول الله بلاء یصیب هذه الامه حتی لا یجد الرجل ملجاءً یلجأ الیه من الظلم فیبعث الله رجلاً من عترتی و اهل بیتی فیملأ به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و یرض عنه ساکن السماء و ساکن الارض لا تدع السماء من قطرها شیئاً الا صبه مدراراً و لا تدع الارض من نباها شیئاً الا أخرجه حتی یتمنی احياء الاموات. (میبیدی، کشف الاسرار، ج ۴، ص ۱۱۹-۱۲۰)

از ابو سعید روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: بلایی به این امت می رسد تا جائی که کسی پناهگاهی نمی یابد تا از ظلم و ستم به آن پناه بیاورد پس خداوند شخصی از عترت اهل بیت من را بر می انگیزاند که زمین از قسط و عدالت پر می کند چنان که از ظلم و ستم پر شده است. اهل آسمان در زمین از حکومت او راضی می باشند آسمان چیزی از قطره هایش را دریغ نمی کند مگر آن که پیوسته بر زمین می بارد و زمین از رویاندن، چیزی فروگذار نمی کند. تا جائی که زندگان مردگان را آرزو می کنند.

۲. ابن الماهیار

ایشان در ذیل آیه شریفه از مجاهد و ابن عباس نقل می کند که در زمان قیام حضرت مهدی امنیت فراگیر در روی زمین حاکم می شود به طوری که حیوانات اهلی از حیوانات وحشی احساس امنیت می کنند.^۱

۱. ابن الماهیار الاسترآبادی، تأویل الآیات، ص ۶۶۳: «لا یكون ذالك حتى لا یبقی یهودی و لانسرانی و لاصحاب مله الا الاسلام حتی تأمن الشاتی الذئب و البقره الأسد و الانسان الحیه و حتی لا تقرض فأره جراباً

ج - وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم و ليبدلنهم من بعد خوفهم أمناً يعبدونني لا يشركون بي شيئاً . (نور/۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند ، وعده داده است که حتماً آن هارا در زمین جانشین کند ، چنان که اسلافشان را جانشین کرد و دینشان را که برایشان پسندیده، برای آنان استقرار بخشد و خوفشان را به ایمنی مبدل نماید، به طوری که مرا عبادت می کنند و چیزی را با من شریک نمی سازند.

۱. ابن کثیر

ایشان در تفسیر « القرآن العظیم » ذیل آیه شریفه حدیثی را از صحیح مسلم نقل می کند که در پایان حدیث اشاره به حضرت مهدی و عدالت جهانی او در زمین دارد .
... و منهم المهدي الذي اسمه يطابق اسم رسول الله (ص) و كنيته كنيته يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً . (ابن کثیر، تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۸-۸۰)
و از آنان مهدی است که اسم و کنیه رسول خدا (ص) است که زمین را پر از عدل و قسط می کند آن چنان که پر از ظلم و جور شده است .

۲. محمد شوکانی

ایشان در تفسیر « فتح القدير » معتقد است که آیه شریفه به فتح تمامی سرزمین به دست انسان های صالح و خلافت و فرماندهی آنان بر کل زمین و امنیت فراگیر و گسترده در زمین اشاره دارد .

ضمناً ایشان عقیده کسانی را که مفهوم آیه را مختص به زمان خلفاء اربعه یا مقصود از ارض را ، محدود به ارض مکه می دانند ، را ، رد می کند و این نظر را نه تنها بعید بلکه

و حتی توضع الجزیه و تکسر الصلیب و یقتل الخنزیر و ذالک یكون عند قیام القائم (ع)» این اتفاق واقع نمی شود مگر آن که یهودی و نصرانی و صاحب شریعتی باقی نمی ماند غیر از اسلام ، و گوسفند از گرگ و گاو از شیر و انسان از مار احساس امنیت می کند و حتی موش چراگ را نمی خورد و جزیه را کنار می گذارد و صلیب را می شکند و خنزیر را می کشد و این اتفاقات به هنگام قیام قائم رخ می دهد .

أبعد می داند. (شوکانی، فتح القدير، ج ۴، ص ۵۴-۵۵)

پرواضح است که تحقق مطلب فوق به هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) است.

د - و يقول الذين كفروا لولا نزل عليه آية من ربه إنما أنت منذر و لكل قوم هاد.
(رعد/۷)

و آنان که کافر شدند، می گویند: چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی شود؟ (ای پیامبر) همانا تو فقط بیم دهنده ای و هر قومی را راهنمایی است.

اسماعیل حقی از مفسران اهل سنت در تفسیر (روح البیان) ذیل آیه شریفه به نقل از سنن ابی داود از فراگیری عدالت در زمین هم زمان با قیام و ظهور حضرت مهدی (ع) سخن می گوید:

روی ابوداود فی سننه أنه (مهدی) من ولد الحسن ... فجعل الله القائم بالخلافه الحق عند سده الحاجه اليها من ولده ليملا الارض عدلاً. (حقی، روح البیان، ج ۴، ص ۳۴۶)
ابوداود در سنن خودش روایت کرد که: همانا او (مهدی) فرزند حسن است ... پس خداوند فرزند حسن را قائم به خلافت حق به هنگام شدت نیاز مردم به حکومت و خلافت قرار داد تا زمین را از عدالت پر نماید.

قیام و ظهور حضرت مهدی (ع) بعد از اوج سختی و ظلم فراگیر برای ایجاد امنیت و عدالت گسترده در روی زمین، آن هم عدالت و امنیتی بی نظیر از آغاز خلقت آسمان ها و زمین، لطفی از الطاف الهی است که این مفسر اهل تسنن بدان تصریح نموده است.

همچنین ایشان در ذیل آیه « و ما كان الناس الا امة واحدة فاختلفوا...» (یونس/۱۹) از ادامه اختلاف بین مردم تا قیام و ظهور حضرت مهدی (ع) خبر می دهد.
... و قد وقع الاختلاف و سيقع الى أن يقوم المهدي (ع) و ينزل عيسى (ع)

... و به تحقیق اختلاف واقع شد و به زودی (هم) چنین اتفاقی واقع خواهد شد تا اینکه مهدی علیه السلام قیام نماید و عیسی از آسمان فرود آید.

همان طور که ملاحظه می شود ایشان رفع اختلاف و پایان درگیری بین مردم را منوط به قیام و ظهور حضرت مهدی (ع) دانسته و قیام حضرتش را سرآغاز امنیت و آرامش بین مردم تلقی کرده است.

بنابر آنچه گذشت دیدگاه قابل توجهی از مفسران اهل سنت در ذیل آیات مذکور بر این است که روزی فرا خواهد رسید که عدالت و امنیت گسترده، جهان را فرا می گیرد و آن روز همان روز ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) است که ابن کثیر در تفسیر «القرآن العظیم» و دیگران در ذیل آیه فوق آن چنان که گذشت طبق روایتی از صحیح مسلم بر این مطلب گواهی داده اند.

..... و منهم المهدی الذی اسمه یطایق اسم رسول الله (ص) و کنیته کنیته یملاً الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً. (ابن کثیر، تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۸-۸۰)

تا جایی که ابو محمد حسین بن بغوی در تفسیر «معالم التنزیل» به نقل از ابو هریره آورده بود که رسول خدا (ص) از چریدن شیر با شتر و گرگ با گوسفند و نیز از بازی کردن بچه ها با مارها بدون ضرر و زیان نسبت به همدیگر سخن گفته است که این مطلب همان تحقق امنیت گسترده جهانی است که با ظهور حضرت مهدی (عج) محقق می شود. (بغوی، معالم التنزیل، ج ۱، ص ۷۲۰) و بنابه اعتراف اسماعیل حقی، یکی دیگر از مفسران اهل سنت، امنیت و عدالتی بی نظیر در نوع خودش، که دنیا از آغاز خلقت آسمان ها و زمین چنین عدالتی را به خودش ندیده و نخواهد دید.

مهدویت و رفع فقر جهانی

تعداد قابل توجهی از مفسران اهل سنت در ذیل آیاتی از توسعه گسترده امکانات مالی در مقیاس جهانی در آخر الزمان سخن گفته اند و بعضاً این اتفاق مهم را هم زمان با قیام و ظهور حضرت مهدی (ع) دانسته اند که ذیلاً به بعضی از این آیات اشاره می شود:

الف - و انه لعلم للساعة ولا تمترن بها واتبعون هذا صراط مستقیم (زخرف/۶۱)

و همانا وجود او (عیسی) دانشی برای (فهم) رستاخیز است پس زنهار در آن تردید نکنید و از من پیروی کنید که راه راست همین است.

جمعی از مفسران اهل سنت ذیل آیه شریفه از بی نیازی مالی مردم در پایان روزگار همزمان با فرود آمدن حضرت عیسی سخن می گویند که عبارتند از:

۱. قرطبی

ایشان در تفسیرش ذیل آیه شریفه از صحیح مسلم و ابن ماجه از ابی هریره به نقل از

رسول خدا (ص) به از بین رفتن بغض، کینه و حسادت بین مردم و همچنین از بی نیازی مالی مردم در پایان روزگار به هنگام نزول حضرت عیسی علیه السلام سخن می گوید.^۱

۲. آلوسی

ایشان ذیل آیه شریفه از بخاری و مسلم و ترمذی و ابو داود و ابن ماجه از ابوهریره به نقل از پیامبر اسلام (ص) به از بین رفتن دشمنی ها و حسادت ها و نیز از غنای مالی مردم در آخر الزمان خبر می دهد که در پایان حدیث به نقل از قول مشهور از ظهور مهدی (ع) و اقتدای حضرت عیسی (ع) به ایشان در نماز صبح، سخن می گوید.^۲

۳. شیخ محمد طه الدرہ حمصی

ایشان ذیل آیه شریفه از ابوهریره از رسول خدا (ص) روایتی نقل می کند که رسول خدا (ص) قسم یادی می کند که فرزند مریم از آسمان فرود می آید و صلیب را می شکند و خنزیر را به قتل می رساند و جزیه را بر می دارد و بی نیازی مالی ایجاد می کند و گرایش مردم به عبادت الهی بیش از گرایش به دنیا و متعلقات آن می شود.^۳

روی عن ابی هریره قال رسول الله (ص):

ایشان در ذیل همین آیه روایتی از صحیح مسلم نقل می کند که اشاره به انتظار مومنان به قیام و ظهور حضرت مهدی (ع) دارد.^۴

۱. قرطبی، جامع الاحکام ج ۸، جزء ۱۶، ص ۷۸ محمد بن یوسف اطفیش نیز همین روایت را در تفسیرش آورده است (محمد بن یوسف اطفیش ج ۱۱ ص ۵۲ و ۵۱) ثبت فی صحیح مسلم و ابن ماجه عن ابی هریره قال: رسول (ص) لینزلن عیسی بن مریم حکماً عادلاً فلیکسرن الصلیب و لیقتلن الخنزیر و لیضعن الجزیه و ... و لتذهبن الشحاء و التباعص و التحاسد و لیدعون الی المال فلا یقبله احد.

۲. آلوسی، روح المعانی ج ۲۵، ص ۹۵ و ۹۶ قال ابوهریره، قال رسول اله (ص): لینزلن ابن مریم حکماً عادلاً فلیکسرن الصلیب و لیقتلن الخنزیر و لیضعن الجزیه و لتذهبن الشحاء و التباعص و التحاسد و لیدعون الی المال فلا یقبله احد.

و المشهور نزوله بدمشق و الناس فی الصلاه الصبح فیتأخر الامام و هو المهدی (ع) و یصلی خلفه و الا کثرون علی اقتدائه بالمهدی (عج) فی تلك الصلاه.

۳. شیخ محمد طه الدرہ حمصی، تفسیر القرآن الکریم ج ۳، ص ۱۸۳ « و الذی بیده لیوشکن ان ینزل فیکم ابن مریم حکماً مقسطاً فیکسر الصلیب و یقتل الخنزیر و یضع الجزیه و یفیض المال لا یقبله احد و حتی تكون السجده الواحده خیراً من الدنیا و ما فیها »

۴. شیخ محمد طه، همان « و فی صحیح مسلم ... و یمکت الدجال فی الارض اربعین عاماً فیتبعه اليهود و

از آنجایی که نزول حضرت عیسی (ع) از آسمان طبق روایاتی از منابع روایی اهل سنت، و اعتراف قابل توجهی از مفسران آنان، هم زمان یا کمی بعد از قیام و ظهور حضرت مهدی (ع) به طوری که حتی در نماز به ایشان اقتداء می نماید، (آلوسی، روح المعانی، ج ۲۵، ص ۹۶) منافاتی ندارد که بگوییم این اتفاقات مهم در پایان روزگراز اتفاقات و رویدادهای هم زمان با قیام و ظهور حضرت مهدی می باشند.

ب - و إن من اهل الكتاب الا لیؤمنن به قبل موته و یوم القیامه یكون علیهم شهیداً
... (نساء/۱۵۹)

و هیچکس از اهل کتاب نیست مگر آن که پیش از مرگش حتماً به او (عیسی) ایمان می آورد و (او) روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.

با توجه به آنچه که گذشت روشن شد که تعداد قابل توجهی از مفسران اهل تسنن در ذیل آیات شریفه از رفع فقر جهانی سخن گفته اند به طوری که احدی از قبول مال و ثروت عرضه شده استقبال نمی کند... و یفیض المال حتی لا یقبله أحد.^۱ که جمال الدین قاسمی همانطوری که ذکر شد در محاسن التأویل به نقل از بخاری از ابو هریره از پیامبر اسلام (ص) در ضمن حدیثی از عدم قبول مال از سوی مردم در آخر الزمان و نیز از شدت اقبال مردم به معنویت، تا جائی که مردم یک سجده را بالاتر از دنیا و آنچه که متعلق به آن است می دانند، خبر داده بود.

بنابراین یکی از رویدادهای مهم آخر الزمان بی نیازی مالی در گستره جهانی است که از فرهنگ و اندیشه مهدویت به شمار می آید.

یصدقونه فهم ينتظرون الدجال كما ينتظر المؤمنون المهدي (ع). « و دجال چهل سال در زمین می ماند و یهودیان از او تبعیت می کنند و او را تصدیق می نمایند پس یهودیان منتظر دجال هستند چنانچه مومنان منتظر مهدی (ع) هستند.

۱. قاسمی، محاسن التأویل، ج ۳، ص ۶۲۳-۶۲۷- بغوی، معالم التنزیل، ج ۱، ص ۷۱۹ و ۷۲۰، شرنی، السراج المنیر، ج ۱، ص ۳۴۴ « و الذی نفسی بیده لیوشکن أن ینزل فیکم ابن مریم حکماً عدلاً فیکسر الصلیب و یقتل الخنزیر و یضع الجزیه و یقبض المال حتی لا یقبله أحد حتی تكون السجده الواحده خیراً له من الدنیا و مافیها. »

مهدویت و خذلان دشمنان اسلام

جمعی از مفسران اهل سنت در ذیل آیاتی از خذلان و زمین گیر شدن دشمنان اسلام در پایان روزگار سخن می گویند. که ذیلاً به بعضی از این آیات اشاره می شود:

الف) وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. (سجده/۲۱)
و قطعاً پیش از عذاب بزرگتر از عذاب نزدیکتر (این دنیا) به آنها می چشایم، شاید که آنها باز گردند.

جمعی از مفسران اهل سنت در ذیل آیه شریفه از خذلان و زمین گیر شدن دشمنان اسلام هم زمان با قیام و ظهور حضرت مهدی (عج) سخن گفته اند که عبارتند از:

۱. قرطبی

ایشان در تفسیر الجامع لاحکام القرآن ذیل آیه شریفه به نقل از امام صادق (ع) منظور از «العذاب الاکبر» را خروج حضرت مهدی (عج) با شمشیر می داند. (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۷، ص ۸۰)

۲. ابو حیان الاندلسی

ایشان در تفسیر بحر المحيط در ذیل آیه شریفه از امام جعفر (ع) نقل کرده است که ایشان مراد از «العذاب الاکبر» را خروج مهدی (عج) با شمشیر می داند. (ابو حیان، بحر المحيط، ج ۷، ص ۱۹۸)

۳. اسماعیل حقی

ایشان در تفسیر روح البیان به نقل از تفسیر نقاش نقل کرده است که منظور از «العذاب الأدنی» گرانی قیمت هاست و نیز منظور از «العذاب الاکبر» خروج مهدی با شمشیر آب دار است. (حقی، روح البیان، ج ۷، ص ۱۲۴)

۴. آلوسی

ایشان در تفسیر روح المعانی در ذیل آیه شریفه نیز از امام صادق (ع) نقل کرده است که، مراد از «العذاب الاکبر» اشاره به قیام حضرت مهدی (عج) است با شمشیر. (آلوسی، روح المعانی، ج ۱، ص ۱۳۵)

ب - لهم في الدنيا خزيٌ و لهم في الآخرة عذابٌ عظيم . (بقره/۱۱۴)

برای آنها در دنیا ننگ و خواری و در آخرت عذابی بزرگ است .

عده ای از مفسران اهل تسنن در ذیل آیه شریفه از خذلان دشمنان اسلام در پایان روزگار به هنگام قیام و ظهور حضرت مهدی (عج) سخن به میان آوردند که عبارتند از :

۱. ابو الفداء الحافظ « ابن کثیر »

ایشان در تفسیر القرآن العظیم به نقل از سدی و عکرمه و وائل بن داود ، که اینان ، خذلان دشمنان اسلام در آیه شریفه را به هنگام قیام و ظهور امام مهدی (ع) می دانند. (ابن کثیر، تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۴۸)

۲. ابو عبدالله قرطبی ، جلال الدین طوسی و محمد بن جریر طبری

ایشان در تفسیرشان به نقل از سدی خذلان دشمنان اسلام را در دنیا به هنگام قیام و ظهور امام مهدی (ع) می دانند . (قرطبی، ج ۲، ص ۵۴، سیوطی، ج ۱، ص ۲۶۴، طبری، ج ۲، ص ۵۰۱)

۳. محمد شوکانی

ایشان در تفسیر فتح القدیر ذیل آیه شریفه معتقد است که خذلان دشمنان اسلام به هنگام قیام مهدی (ع) صورت می گیرد . (شوکانی، فتح القدیر، ج ۱، ص ۱۵۴)

از مجموع مطالب فوق بر می آید که تعداد قابل توجهی از مفسران اهل تسنن بر این عقیده اند که در پایان روزگار خذلان و بیچارگی دشمنان اسلام را فرا می گیرد و این رویداد مهم هم زمان با قیام و ظهور مهدی (عج) به وقوع می پیوندد .

چنان که آلوسی در تفسیر روح المعانی و ابن کثیر در القرآن العظیم و قرطبی در الجامع لاحکام القرآن و محمد شوکانی در فتح القدیر و ذیل آیات فوق در ضمن روایاتی بدان تصریح نموده اند .^۱

مهدویت و اقتداء کردن مسیح با شریعت محمدی

تعداد قابل توجهی از مفسران اهل سنت ذیل آیه «و أنه لعلم للساعة فلا تمترن بها و

۱. آلوسی در تفسیر روح المعانی ج ۲، ص ۱۳۵، و ابن کثیر در القرآن العظیم ج ۱، ص ۱۴۸، و قرطبی در الجامع لاحکام القرآن ج ۱، ص ۵۴، و محمد شوکانی در فتح القدیر، همان « و فسر هؤلاء (الخزی فی الدنيا) بخروج المهدي .»

اتبعون هذا صراط مستقیم.» (زخرف/۶۱) از فرود آمدن حضرت عیسی (ع) بعد از قیام و ظهور حضرت مهدی (ع) و اقتدا به آن حضرت در نماز، سخن گفته اند که عبارتند از:

۱. آلوسی

ایشان ذیل آیه شریفه از ابو هریره از پیامبر اسلام (ص) نقل می کند که پیامبر اسلام از نزول حضرت عیسی (ع) بعد از ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) و اقتداء به آن حضرت در نماز سخن گفته است.

ضمناً ایشان به نقل از قول مشهور، محل نزول حضرت عیسی (ع) را در منطقه دمشق و نماز مورد اقتدا به آن حضرت را نماز صبح دانسته اند.^۱

۲. محمد بن یوسف اطفیش

ایشان ذیل همین آیه از ابو هریره از رسول خدا (ص) روایتی نقل می کند که از فرود آمدن عیسی و اقتداء به حضرت مهدی (ع) در نماز سخن گفته است: (اطفیش، ج ۱۲، ص ۵۲)

نتیجه گیری:

با مرور کوتاه به آنچه که بحث شد به خوبی بر می آید که اعتقاد به مهدویت یک اعتقاد انحصاری شیعی نیست بلکه یک اعتقاد اسلامی منبعث از قرآن کریم و روایات اسلامی است که همه فرق اسلامی به آن پایبند هستند و همان طوری که ملاحظه گردید تعداد قابل توجهی از علمای مذاهب چهار گانه اهل تسنن اعتقاد به مهدویت را یک اعتقاد اصیل اسلامی با پشتوانه روایات معتبر در حد تواتر دانسته و بعضاً ادعای اجماع نموده اند تا جایی که بعضی از آنان عدم پذیرش آن را خروج از اسلام تلقی کرده اند.

در همین راستا اظهار نظر صریح مفسران و صاحب نظران معارف قرآنی در ذیل آیات مطرح شده که از نظر تان گذشت؛ تأیید مضاعفی است از علمای اهل تسنن در اعتقاد به

۱. آلوسی، روح المعانی، ج ۲۵، ص ۹۶ - ۹۵ «و المشهور نزوله بدمشق و الناس فی الصلاه الصبح فیتأخر الامام و هو المهدی (ع) و یصلی خلفه و الاکثرون علی إقتدائه بالمهدی (عج) فی تلك الصلاه.» و قول مشهور این است که حضرت عیسی (ع) پسر مریم در دمشق از آسمان فرود می آید در حالی که مردم به امامت حضرت مهدی (ع) مشغول نماز صبح هستند پس ایشان به امام مهدی (ع) اقتدا می نمایند و اکثر مردم که این صحنه را می بینند در همان نماز به حضرت مهدی (ع) اقتدا می نمایند.»

مسئله مهدویت.

بنابراین تردید نباید کرد که اعتقاد به مهدویت از دیدگاه علما و دانشمندان اهل تسنن یک اعتقاد بنیادین و اصیل است. و مبنای صاحب نظران و مفسرانشان در ذیل آیات مربوطه، روایاتی از پیامبر اسلام (ص) بوده است.

از مهم‌ترین جلوه‌های مهدویت در تفاسیر اهل سنت، غلبه اسلام بر ادیان، حاکمیت، امنیت و عدالت جهانی را می‌توان نام برد.

رفع فقر، مستأصل شدن دشمنان اسلام، همزمانی ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) با نزول آسمانی حضرت عیسی (ع) و اقتدای به آن حضرت در نماز را هم می‌توان از مشترکات مفسران و علمای اهل سنت در ارتباط با اندیشه مهدویت دانست.

و همان طوری که ملاحظه شد، تفکر و بینش اعتقادی علما و مفسران اهل سنت در مسئله فرهنگ و اندیشه مهدویت، با تفکر و بینش اعتقادی شیعه قرابت دارد، این تقریب اعتقادی مهدوی در کنار سایر اعتقادات مقارن می‌تواند زمینه مناسبی برای تقریب مذاهب باشد و راه را برای عملی ساختن وحدت و اتحاد بین همه فرق اسلامی، هموار نماید.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن کثیر، ابوالفداء الحافظ، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، ارضیه للنشر و التوزیع، ۱۴۲۴ هـ. ق
۳. اطفیش، محمد بن یوسف، تیسیر التفسیر، عمان، وزاره التراث القومی و الثقافه، بی تا
۴. ابن العربی، محمد بن علی الطائی، تفسیر القرآن الکریم، بی جا، بی تا
۵. اندلسی، احمد بن محمد، العقد الفرید، قاهره، لجنه التألیف و ترجمه و النشر، بی تا
۶. ابن صباغ، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، بیروت، دارالأضواء، بی تا
۷. ابو حیان، بحر المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ هـ. ق
۸. آلوسی، روح المعانی، بیروت، دارالأحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ. ق
۹. ابن اثیر، مبارک بن محمد، جامع الاصول فی احادیث الرسول، بیروت، دارالکفر، بی تا
۱۰. استر آبادی، علی، تأویل آیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا
۱۱. ادریسی، محمد بن جعفر، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۰